حادثه‌ها

دستگیری عوامل تیراندازی در شوش

● دادستان عمومی و انقلاب شوش گفت: با کمک مأموران انتظامی شهرستان شوش ۹ نفر از عوامل تیراندازی‌های اخیر در این شهرستان دستگیر و روانه زندان شدند. مصطفی نظری با بیان اینکه این افراد روز شنبه دستگیر شدند، افزود: در پی تیراندازی‌های بی‌دلیل در چند ماه گذشته در نقاط مختلف شهرستان شوش که موجب ناامنی و اخلال در نظم عمومی شد، کمیته ویژه رسیدگی به این تخلفات با مشارکت نیروهای انتظامی، امنیتی و قضائی تشکیل شد. وی با تأکید بر برخورد جدی با متخلفان و مجرمان و افرادی که به هر نحوی موجب رعب و وحشت و ناامنی در سطح شهرستان شوش می‌شوند، افزود: هرگونه سلب آسایش، مزاحمت و خسارت به دیگران جرم و قابل‌تعقیب قضائی است و کیفر قانونی نیز دارد. وی خواستار تعامل و همکاری سران و بزرگان عشایر و طوایف با پلیس در راستای حذف رسم غلط تیراندازی در مجالس شد.

کلاهبرداری خانوادگی از خریداران مسکن مهر

● دادستان عمومی و انقلاب پردیس از دستگیری متهم اصلی پرونده کلاهبرداری از خریداران مسکن مهر خبر داد و گفت: اعضای این باند به صورت خانوادگی با جعل اسناد، یک خانه را به چند نفر می‌فروختند. «حیدر فتاحی» گفت: با توجه به اینکه در سال ۹۴ در شهرستان پردیس واگذاری‌هایی درباره مسکن مهر صورت گرفته بود، فردی از این موقعیت سوءاستفاده و به جعل اسنادی در این زمینه اقدام کرد. وی ادامه داد: این شخص با کمک سایر متهمان، با جعل اسناد از جمله مبایعه‌نامه، یک خانه را به پنج تا شش نفر فروخته و در این رابطه ۱۲ باب مسکن مهر را به ۴۰ نفر واگذار کرده است. فتاحی تصریح کرد: پرونده قضائی در دادسرای پردیس تشکیل شد و دستگاه قضائی نسبت به دستگیری این فرد اقدام کرد و متهم اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد. دادستان عمومی و انقلاب پردیس یادآور شد: سایر متهمان این پرونده که از اعضای خانواده این فرد هستند، متواری شده‌اند که به‌زودی دستگیر می‌شوند.

قتل با اسلحه در حمایت از مادر

شرق: پسر جوانی که متهم است مردی را به قتل رسانده و متواری شده است، بعد از بازداشت مدعی شد مقتول قصد تعرض به مادرش را داشت.

این جوان که ۲۵ سال دارد در اعترافاتش گفت وقتی دست به قتل زد که صحنه گلاویزشدن مادرش با مقتول را دید. شهریورماه سال جاری مسئولان حراست بیمارستانی در شهرستان عنبرآباد به پلیس خبر دادند جسد مرد جوانی را جلوی بیمارستان پیدا کرده‌اند. وقتی مأموران به محل رسیدند، تیم پزشکی گزارش دادند بعد از پیداکردن مرد جوان در ماشینی مقابل بیمارستان، کار امدادرسانی را آغاز کردند اما ضربات مهلکی بر بدن این مرد وارد شده و او جانش را از دست داده بود و عملیات احیا هم نتوانست به این مرد کمک کند. افرادی که در محل پیداشدن جسد زندگی می‌کردند به پلیس گفتند جوانی را دیده‌اند که ماشین را در محل رها کرده و رفته است اما نمی‌دانند چه کسی بوده تا اینکه تحقیقات بعدی پلیس نشان داد مقتول مدتی بود به خانه زن جوانی رفت‌وآمد داشت. آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد او پیش از این رفت‌وآمد، با شوهر این زن دوست بود اما بعد از مشکلاتی که برای خانواده به وجود آمد، رفت‌وآمد مقتول نیز به خانه آنها بیشتر شد. همچنین مأموران متوجه شدند روز حادثه درگیری شدیدی بین مقتول و پسر خانواده اتفاق افتاده است بنابراین احتمال قتل به دست پسر جوان خانواده برای پلیس قوت گرفت. در بازجویی از اعضای خانواده متهم تحت تعقیب، مأموران فهمیدند ظن آنها درست و قاتل، پسر جوان خانواده است. مادر خانواده در بازجویی‌ها گفت: مقتول قصد تجاوز به من را داشت و پسرم به کمکم آمد و من را نجات داد. او بعد از این حادثه فرار کرد و من نمی‌دانم کجاست. درحالی‌که تحقیقات پلیس ادامه داشت، ردیابی‌ها به نتیجه رسید و آنها متوجه شدند متهم بعد از قتل به تهران فرار کرده و در یکی از محله‌های جنوبی شهر ساکن شده است. با شناسایی مخفیگاه این جوان، پلیس در یک اقدام غافلگیرکننده او را بازداشت کرد. مرد جوان در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل پدرم به دلیل یک تصادف منجر به فوت به زندان افتاد. پول دیه‌ای که باید می‌دادیم را نتوانسته بودیم تأمین کنیم و گرفتاری‌های زیادی داشتیم. مقتول از دوستان پدرم بود و زمانی هم که پدرم بیرون از زندان بود، به خانه ما رفت‌وآمد می‌کرد. از وقتی پدرم به زندان افتاده بود او بیشتر به خانه ما می‌آمد و به قول خودش می‌خواست مشکل ما را حل کند. با اینکه من و برادرم بزرگ بودیم و می‌توانستیم از عهده مشکلات خانواده برآییم اما دست‌بردار نبود و می‌گفت می‌خواهد کمک کند. متهم گفت: روز حادثه من سر کار بودم که مادرم زنگ زد و گفت کمک لازم دارد و مقتول می‌خواهد به او تجاوز کند. صدای درگیری می‌آمد بلافاصله به سمت خانه حرکت کردم و وقتی وارد شدم دیدم مقتول به مادرم حمله کرده و با او گلاویز شده است. او می‌خواست به مادرم تجاوز کند. وقتی این صحنه را دیدم دیگر معطل نکردم، اسلحه شکاری که متعلق به برادرم بود را برداشتم و به سمت مقتول نشانه گرفتم. او وقتی این صحنه را دید ترسید، به من حمله و تلاش کرد اسلحه را از دست من بگیرد اما من مقاومت کردم. در این درگیری نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که اسلحه شلیک و تیر به قلب مقتول برخورد کرد. خودم از دیدن این صحنه خیلی ترسیدم و ناراحت شدم. چون قصدم این نبود که او را بکشم می‌خواستم بترسانمش تا مادرم را رها کند و به او تجاوز نکند. به‌همین‌خاطر هم مقتول را سوار ماشین خودش کردم و به سمت بیمارستان رفتم. متهم ادامه داد: وقتی رسیدم ماشین را جایی پارک کردم که مرد زخمی را ببینند و کمکش کنند اما خودم فرار کردم چون از بازداشت‌شدن می‌ترسیدم. به تهران آمدم و زندگی مخفیانه‌ای را شروع کردم تا اینکه بازداشت شدم. با توجه به اعترافات متهم، قرار بازداشت برای او صادر شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

گفت‌وگو با مردی که فرزندش را در یک تصادف از دست داد

اعضای بدن پسرم را با تشخیص خودم اهدا کردم

شرق: بیست‌وسومین مورد اهدای عضو در استان کهگیلویه‌وبویراحمد در سال ۹۴ انجام شد. سامان عباسی، هماهنگ‌کننده پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی استان کهگیلویه‌وبویراحمد به خبرنگار ما گفت: «این اتفاق درپی مرگ مغزی «سیامک آبدار» جوان ۱۹ساله از ایل بزرگ تامرادی که از اهالی روستای باگ بخش پاتاوه شهرستان بویراحمد بود، صورت گرفت. این جوان در اثر تصادف دچار خون‌ریزی مغزی و مرگ مغزی شد و پس از اعلام رضایت خانواده مهربانش در اقدامی نوع‌دوستانه پنج عضوش اهدا شد. دو کلیه، کبد، پانکراس، و روده کوچک این فرد برداشته و برای پیوند به شیراز انتقال داده و به سه بیمار یک دختر ۱۸ساله، یک دختر ۲۱ساله و مردی (۲۵ساله) پیوند شد». سیف‌اله آبدار پدر سیامک در گفت‌وگو با خبرنگار ما ماجرا را توضیح داده است:

تصادف مرگ‌بار چطور اتفاق افتاد؟

این تصادف دوازدهم بهمن در ۵۵کیلومتری یاسوج اتفاق افتاد. بعد پزشکان تشخیص دادند او ضربه مغزی شده و راه برگشت وجود ندارد. طبق روال معمول وقتی به ما گفتند امکان بازگشت وجود ندارد، من قبول کردم اعضای بدن پسرم اهدا شود. روز بعد از تصادف بود که او را به اتاق عمل بردند و پنج عضو از اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کردند. امیدوارم که آنها فیض ببرند، استفاده کنند و استفاده خوبی داشته باشند.

پسرتان در کیلومتر ۵۵ یاسوج چه می‌کرد که این اتفاق برایش افتاد؟

او با موتورسیکلت رفته بود نزدیک کارخانه گز تا دوستش را برساند و بعد هم بنزین زده بود که به خانه بیاید که یک پراید که از خیابان فرعی شرکت گاز به جاده اصلی می‌آمد به او زد و مقصر هم بود. ماشین به پسرم زد و او زمین خورد که این اتفاق منجر به ضربه مغزی او شد.

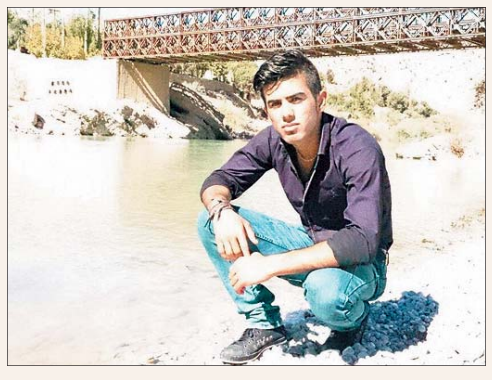

الان راننده پراید کجاست؟

آزاد است و سر زندگی‌اش.

آیا پسرتان در مورد اهدای عضو با شما صحبت کرده بود؟

با من صحبت شخصی نکرده اما به مادرش گفته بود وقتی من به اعضای بدنم نیاز ندارم، نگذارید بدنم بپوسد. من هم طبق تشخیص خودم که رزمنده جنگ هستم و طبق آیه قرآن اعضایش را اهدا کردم و هزینه‌ای از دولت، بیمارستان و افرادی که اعضای پسرم به آنها اهدا شده است دریافت نکردم. دعا می‌کنم آنهایی که اعضای پسرم را گرفته‌اند زندگی خوبی داشته باشند.

پسر شما کی تصادف کرد و بعد از چه مدت، شما با اهدای عضو موافقت کردید؟

پسرم ساعت ۹ و نیم تصادف کرد و به بیمارستان شهید بهشتی منتقل شد که آنجا مرگ مغزی او را به ما اعلام کردند. بعدازظهر روز بعد از آن هم ما با اهدا موافقت کردیم و دستگاه‌ها را با رضایت و هماهنگی ما از او جدا کردند و پس از برداشت اعضا به وسیله کادر پزشکی به شیراز فرستاده شد.

شغل شما چیست، چند ساله هستید و چند فرزند دارید؟

من ۴۸ سال دارم، شغلم آزاد است و دو پسر داشتم و سه دختر که یکی از پسرانم سیامک بود که این اتفاق برایش رخ داد.

سیامک چند سال داشت و چه می‌کرد؟

۱۹ساله و دانش‌آموز بود و تازه دیپلم کاردانی‌اش را گرفته بود.

توصیه شما به افرادی که ممکن است در وضع شما قرار بگیرند چیست؟

من توصیه‌ام این است که این موضوع در کشور، استان و شهرستان‌ها فرهنگ‌سازی شود که انسان تا وقتی سالم است از اعضایش به بهترین نحو استفاده کند اما وقتی قرار است در خاک بپوسد، انتظار دارم برای کمک به هم‌نوع و برای رضای خدا و اجرای عدالت با اهدای اعضای عزیزانشان موافقت کنند.

رخداد

نزاع مسلحانه در جنوب تهران

● پسر ۲۴ساله‌ای که برای نزاع با بچه‌محل‌های سابقش به پارکی در جنوب تهران می‌رفت، نمی‌دانست که در دعوای مسلحانه به قتل می‌رسد. به گزارش خبرگزاری میزان، ساعت ۱۶ روز شنبه، مأموران کلانتری خزانه در تماس تعدادی از اهالی، در جریان نزاع مسلحانه در پارک اتوبان شهیدرجایی قرار گرفتند. مأموران پس از حضور مأموران در پارک، متوجه شدند ساعتی قبل، بین دو گروه از اراذل، درگیری پیش آمده و دو پسر جوان به نام‌های مصطفی و علی، مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌اند. درحالی‌که تحقیقات برای شناسایی افراد حاضر در نزاع، ادامه داشت، ساعت هشت شب مسئولان بیمارستان از مرگ یکی از مجروحان نزاع خبر دادند. با اعلام موضوع به بازپرس ویژه قتل تهران، او با حضور در بیمارستان تحقیقاتش را آغاز کرد. برادر مقتول که در بیمارستان حضور داشت، گفت: برادرم مصطفی به همراه دوستانش با دو خودرو شاسی‌بلند و پرشیا به دنبال من آمدند و مدعی شدند با علیرضا یکی از بچه‌محل‌های سابقمان درگیر شده‌اند. برادر مصطفی ادامه داد: شب گذشته، حالت عادی نداشتم و مشغول صحبت با علیرضا بودم که او شروع به فحاشی کرد و درگیری پیش آمد. بعد از دقایقی برای عصر امروز-روز حادثه- قرار دعوا گذاشتیم. من با برادرم و سه دوستش به پارک رفتیم که آنجا هشت نفر که پشت درخت مخفی شده بودند، با چوب و قمه به سمت ما حمله کردند که در آن لحظه سعید، دوست برادرم با اسلحه‌ای که داشت شروع به تیراندازی کرد. مصطفی به همراه برادر و دوستانش ترسیدند و پا به فرار گذاشتند. دقایقی بعد متوجه شدم علی یکی از طرف‌های دعوا، با شلیک دوست برادرم مجروح شده است. بعد وقتی بار دیگر به ما حمله کردند، فرار کردیم و سوار خودرو شدیم اما متوجه شدم برادرم مصطفی ۲۴ساله توسط سه نفر از طرف‌های دعوا گیر افتاده. از خودرو پیاده شدم و به سمت آنها رفتم که در یک لحظه علیرضا، قمه‌ای را در بدن برادرم فرو کرد. او غرق خون روی زمین افتاد. برای کمک به سمت برادرم رفتم که سه پسر جوان با قمه دست مرا مجروح و سپس از محل جنایت فرار کردند. قاتل، پسر ۲۸ساله‌ای است که از بچگی با ما بزرگ شده بود. من برای قمارکردن به آن محل رفته بودم که برادرم به دنبالم آمد و در دعوا شرکت کردم. در ادامه با اظهارات برادر مقتول، بازپرس سعید احمدبیگی، دستور دستگیری قاتل فراری و افراد حاضر در نزاع مسلحانه را صادر کرد.

گیلنا

کنکور آسان است

چگونه در عین ناباوران و شکست در کنکور سال قبل و با معدل ۱۲ همه را به باور رساندم و پزشکی سراسری روزانه قبول شدم؟!؟!؟!

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا ۲۰۰۹inted / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی «کنکور آسان است» و «درس خواندن آسان است» و «طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا و مرز زندگی

سید حسین کیا هستم دانشجوی دکترای پزشکی سراسری اولین بار که در کنکور سراسری شرکت کردم شکست خوردم احساس کردم که همه چیز تمام شده است و دیگر نمی توانم به دکترای پزشکی برسم.

برای همین تصمیم گرفتم ترک تحصیل کنم و به خدمت سربازی بروم و بعد از آن به یک کار آزاد بپردازم. چند ماه گذشت وخیلی ناراحت و پریشان بودم. با خود گاهی می گفتم آینده‌ام بس چه می‌شود؟ زندگی‌ام پس چه می‌شود؟

تصمیم گرفتم که در کنکور سراسری سال بعد شرکت کنم. اطرافیانم که می گفتند محاله تو قبول شوی، با این معدلی ک تو داری، با این وضع درس خواندنی که تو داری، اصلاً غیر قابل باور هست. در اوایل بهمن ماه از طریق مجله با استاد حسین احمدی آشنا شدم. و با ایشان تماس گرفتم و بعد شرایط درسی و تحصیلی‌ام را برای ایشان شرح دادم و گفتم هدفم فقط پزشکی می باشد. زمانی که ایشان را دیدم دیدگاهم کاملاً عوض شد چون ایشان با یکسری از تکنیک‌های ذهنی (مثل تکنیک پاک کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) روحیه‌ام را قوی کرد و روحیه‌ام بسیار قوی و عالی شد و هیچ وقت فراموش نمی کنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم و دیگر به چیزهای بیهوده که ذهنم را مشغول می کرد فکر نمی کردم. که این را مدیون استاد احمدی هستم.

استاد احمدی شماره رتبه ۱ کنکور را به من دادند و از من خواستند زمان‌هایی که سرشان شلوغ هست سوالاتم را از او بپرسم.

در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم با تهیه‌ی منابع و معرفی آنها توسط استاد احمدی، منابع مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من پشت کنکوری بودم و نمی خواستم اشتباهی که سال قبل انجام داده بودم رو دوباره تکرار کنم و به همین خاطر دیگه کلاس نرفتم و به پیشنهاد استاد از لوح‌های فشرده تدریس اساتید که به صورت کاملاً تکنیکی و روش تست زنی بودند استفاده کردم و هر موقعی سؤال داشتم با ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس می گرفتم. با تلاش و پشتکار و علاقه‌ای که داشتم توانستم با لوح‌های فشرده اساتید و برنامه‌ریزی دقیق و گام به گام استاد در کمتر از ۱ ماه تغییر بزرگی را در خودحس کنم. و در آزمون نتیجه‌ای را کسب کردم که برای اطرافیانم غیر قابل باور بود. بی‌وقفه به حضور استاد رسیدم و استاد با بررسی درصدهایم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک‌ها را مستقیم به من ارائه داد. و من با تلاش و پشتکار خود و استفاده از آن تکنیک‌ها توانستم به خوبی در تست‌زدن استاد شوم. از آن‌ها بهره‌مند شوم. و در نهایت با استفاده از این تکنیک‌ها توانستم درصد دروس زیست و شیمی را به بالای ۷۰٪ و ریاضی را به بالای ۶۵٪ برسانم. و همچنین به آرزوی همیشگی‌ام پزشکی سراسری روزانه برسم. در صحبت پایانی جا دارد از استاد عزیزم استاد حسین احمدی تشکر و سپاس ویژه‌ای داشته باشم که مرا به هدف دیرینه‌ام، پزشکی سراسری رسانید. و امیدوارم شما دانش آموزانی که واقعاً سعی و تلاش می کنید به هدف خود برسید.

با تشکر از استاد حسین احمدی، که خانواده‌ی هر ایه آرزویشان رساند

ارتباط با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

سامانه ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

تماس ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ استاد احمدی

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

چگونه از فوق دیپلم، دانشجوی دکترای دندانپزشکی سراسری شد؟

تصمیم برای قبولی در دندانپزشکی

ترم آخر دانشگاه بودو کم کم می خواستم برای کنکور سال بعد آماده شوم. بله تعجب نداره، بنده یک بار کنکور داده و رتبه‌ی ایده آلی کسب نکرده بودم و به دلیل انتخاب رشته‌ی غلط، در یک رشته‌ی کاردانی قبول شده بودم. اما به دلیل اینکه دو سال از کنکور محروم شده بودم، در این رشته مشغول به تحصیل شدم.

از راهی که در پیش گرفته بودم، مطمئن نبودم. از یک طرف دوستانم به من امید می دادند و از طرف دیگر مأیوسم می کردند. بعضی از دوستانم می گفتند: «حالا تلاش من رو گذاشتیم و تو این رشته قبول شدیم، پس نمی تونم تو کنکور بعدی موفق باشیم، اونم با شرایطی که چند سال از کنکور دور بودیم و کتاب‌ها کلی تغییر کرده و کنکور سخت‌تر و مفهومی‌تر شده».

اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و می خواستم حتماً در کنکور سال آینده شرکت کنم و دندانپزشکی سراسری قبول شوم پس، ا/رادی تمام، قدم در این راه گذاشتم. من در تهران بودم که یک روز به صورت تصادفی، بروشوری را دریافت کردم. این بروشور که ا/جع به کنکور بود. توجه م/ایه خود بلب کرد.

«چگونه رتبه‌ی بر تر کنکور شویم؟»۱- تسلط بر روش‌های علمی مطالعه و مرور/ای مطالعه تا ۶ بر ابر ۲- چگونه حافظه‌ی خود/ا تقویت کنیم؟ و...

و در نهایت نام استاد احمدی و رتبه‌های بر تر ی‌رود که با بر نامه‌ر یزی استاد، ر تبه‌های تک‌ر قمی و دو ر قمی کنکور شده بودند.

با خود گفتم: کاش می شد من هم شاگرد چنین استادی می شدم. تصمیم گرفتم با استاد ملاقاتی داشته باشم و این شانس بزرگ م/ بود.

با یافتن ملاقات کردم و طی مشاو/ه‌یی که انجام داد‌م، اعتماد به نفس فوق‌العاده‌یی پیدا کردم و به امید خدا تصمیم خود‌م را/ این آزمون، پذ/فته دیدم.

با سند و مدرک به استاد ایمان آوردم

استاد ابتدا با سند و مدرک به من نشان دادند چگونه شاگردانی با پایه‌های خیلی ضعیف، رتبه‌های بر تری کسب کرده بودند و چگونه درس خواندن را/ای‌شان آسان و جذاب کرده بود.

واقعاً/ا/یم تعجب آور بود. کارنامه‌ی قبل از بر نامه‌ر یزی با استاد، اصلاً قابل مقایسه با بعد از بر نامه‌ر یزی با استاد نبود. استاد واقعاً معجزه می کرد و همین موضوع م/ا بیشتر جذب بر نامه‌ر یزی‌ها و روش‌های آموزشی ایشان کرد.

آخرین جمله‌ی همیشگی ایشان این بود: «کنکور آسان است.»

در مشاوره‌یی که با ایشان داشتم، استاد رتبه‌ی درس خواندن را به من یاد دادند و اینکه در کنکور چه درس‌هایی را چه اندازه مطالعه کنم و چگونه درسی را که دوست ندا/م، بخوانم و لذت ببرم و همچنین تکنیک‌های خلاصه‌نویسی، ر مزگذ/اتی و تست‌زنی و... را به من یاد دادند. البته من باید به شهرستان بر می‌گشتم و نمی توانستم در تهران بمانم و از کلاس‌های استاد استفاده کنم. اما استاد این مشکل م/ا نیز حل کردند و جزوه‌های وسی‌دی‌های شان را در اختیار م/ گذاشتند و گفتند که اینها مشکل تو/ا حل خواهند کرد. اما من از اینکه نمی توانستم مستقیماً از حضور استاد استفاده کنم، خیلی ناراحت شدم. را/ستش را بخواهید به تهرانی ها حسودیم شد و گفتم خوش به حال‌شان که چنین استادی دا/ند. البته استاد همیشه به فکر شاگرد انش است و در شهرستان‌های مختلف همای‌ش بر گزا/ می کنند و این شانس بزرگی برای شهرستانی‌هاست که از حضور استاد استفاده می کنند.

با خودم گفتم مگر این جزوه‌ها با بقیه چه فرقی می کنند که استاد اینگونه ز/مود می‌شان صحبت می کند؟ بالاخره راهی شهر ستان شدم و با تا/ی مثبتی که از استاد، گرفته بودم استا/ت کنکور را زدم. هر چه پیش می/فتم به استاد بیشتر ایمان می آوردم. البته نا/گفته نماند که استاد خودشان در دانشگاه سراسری تهران د/س خوانده بودند. بر ا/شان نیز تبه‌ی یک شده بودند.

کم کم کنکورهای آزمایشی می دادم و رتبه‌های خوبی کسب می کرد‌م و اطمینان پیدا می کردم که به امید خدا موفق خواهم شد. اکنون شما دا/طلب عزیزی که این مقاله را می خوانید. آدم خوش‌شانسی هستید. چرا که اگر من هم چند/تبه تا/استاد آشنا می شدم، موفقیت‌های بیشتری کسب می کردم و زود‌تر به هدف می/سیدم. د/ا/ایل، د/س خواندن کمی بر ایم مشکل بود. ولی همانطور که گفتم/وشی/اکه در پیش گرفتم بود‌م (روش استاد احمدی) شوق د/س خواندن را د/من ایجاد می کرد. د/ابتدا با ساعت مطالعه‌ی کم شروع کردم و به تد/یج به ساعات مطالعه‌ام افز/دم. هر چه پیش می/فتم/ضایت بیشتری نسبت به خودم پیدا می کردم و از خداوند، خاطر اینکه چنین لطف بز/گی در حقم کرده و من را با استاد آشنا کرده بود، سپاسگز/ بودم. بالاخره به روزهای کنکور نزدیک می شدم و من با توکل به خدا خودم را آماده احساس می کردم. در روز کنکور، با آ/امش در جلسه حاضر شدم. تا اینکه نتایج اولیه‌ی کنکور سراسری را اعلام کردند و من برای انتخاب/شته دوباره از استاد کمک گرفتم و با انتخاب/شته‌ی حرفه‌یی ایشان، من در/شته‌ی دندانپزشکی دانشگاه سراسری قبول شدم.

تکنیک‌های PQRSTC و SMOS اینها تکنیک‌هایی هستند که برای اولین با/ از استاد شنیدم و یاد گرفتم که چگونه یک د/س را یک با/ بخوانم و با همان یک با/، د/س را به طور کامل یاد بگیرم. استاد این روش را د/سی‌های صوتی و کتاب «د/ین وزندگی» و «عربی» به طور کامل اجرا می کنند. د/ این جزوه‌ها و سی‌دی‌های د/سی، تمامی تکنیک‌های تصو/سازی و خلاصه‌نویسی و روش‌های علمی مطالعه و حل سؤالات کنکورهای مختلف وجود دا/ند.

البته ناگفته نماند، استاد احمدی اولین پاسخگوی دین و زندگی در ایران هستند. د/ مو/د د/س عربی من د/ تست زدن و خواندن این د/س، خیلی مشکل داشتم. اما با سی‌دی عربی صد د/صد و عربی بر تر، که با صدای خود استاد بود، مشکل من به طور کامل حل شد و عربی به یکی از د/س‌های مو/د علاقه‌ی من تبدیل شد. بطو/ی که د/ آزمون‌ها، اوایل صف/ د/صد می‌زدم و بعد‌ها با کمک این سی‌دی به ۱۰۰ د/صد/سیدم. د/ مشاو/ه‌های استاد احمدی زیاد شنیده بودم که د/س عربی انحراف معیار منفی دا/د و د/صد بالایش، داوطلب را خیلی جلو می اندا/د.

آقای افتخاری نیا موفق شد

و اما توصیه‌ی آخر: شرط موفقیت د/ هر امری، ایمان داشتن به آن است. پس به کاری که می کنید، ایمان داشته باشید. همانطو/ که من به رو/های استاد ایمان آو/دم و به امید خدا موفق شدم.

اگر می توانستم با چند سال فاصله از کنکور، د/ حالی که همه‌ی مطالب را فراموش و د/ واقع از صف/ شروع کرده بود‌م، با کمک بر نامه‌ر یزی‌ها و جزوات استاد احمدی د/ کنکور موفق شوم. پس مطمئن باشید شما هم می توانید، با این تفاوت که از صف/ شروع نمی کنید و چند قدم شاید صد‌ها قدم از من جلو تو/ هستید. پس به توانایی‌تان ایمان داشته باشید و د/ راه صحیح گام بر دا/ید.

د/ پایان این بخش و/ژه‌یی برای یکی از دانشجویان کاردانی پرو تو/ به نام آقای افتخاری نیا دا/م. ایشان همکلاسی بنده بود. وقتی فهمید من دندانپزشکی قبول شده‌ام با بنده مشا/ه‌های تلفنی انجام داد و سپس جزوات و سی‌دی‌های استاد احمدی را تهیه کرد و د/ جلسات تهران جمعه روزی د/ کلاس‌های استاد احمدی شرکت کرد و به لطف خداوند د/کنا/ دندانپزشکی سراسری شهر خودش پذ/فته شد. ایشان زحمت کشیدند و نامه‌یی تشکر آمیز فرستادند و از ما تقد/ کردند. د/ پایان برای هر گونه مشاو/ه تلفنی و یا/ ارتباط با/ تبه‌های بر تر با شماره ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس بگیرید.

میترا رحیمی (دانشجوی دندانپزشکی سراسری)

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ - ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ - ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷

گیلنا: گروه یاد یار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی

چگونه رتبه‌ی ۱ کنکور شدم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا ۲۰۰۹inted / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی «کنکور آسان است» و «درس خواندن آسان است» و «طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا

دکتر محمود اکبری - استاد دانشگاه - رتبه یک کنکور دکتری

به نام خداوند اخلاق، خالق خلاق

دکتر محمود اکبری هستم. رتبه یک کنکور دکتری تخصصی اکتشاف نفت. استاد دانشگاه و مشاور تحصیلی. همه می‌دانیم که داوطلبان کنکور می‌خواهند رتبه برتر کنکور شوند اما چرا نمی‌شوند؟!!

به نظر شما دلیل اینکه یک داوطلب رتبه تک رقمی می‌آورد چیه؟ به نظر شما چطوری باید مطالعه کنیم و تست بزنیم که رتبه برتر شویم؟ امروز می‌خوام توی این مقاله راجع به رازهای موفقیت در کنکور صبحت کنم. داوطلبان عزیزم، رتبه‌های برتر کنکور اونایی نیستند که کارهای متفاوت انجام می‌دهند بلکه اونایی‌اند که کارها را متفاوت انجام می‌دهند. توجه کنید! تمام داوطلبان کنکور برنامه‌ریزی می‌کنند، تمام داوطلبان کنکور تست می‌زنند، آزمون آزمایشی شرکت می‌کنند؛ پس چرا یک داوطلب رتبه تک رقمی می‌آورد و یک داوطلب بالای صد هزار می‌شود؟!! پس بچه‌های عزیز شما باید راه و روش درست درس خواندن را بلد باشید. در مرحله‌ی اول ما باید بدانیم که روش‌های صحیح مطالعه و تست‌زدن چیه و در مرحله‌ی دوم باید بدانیم که کدام یک از این روش‌ها به درد من می‌خوره. آره عزیزان این مهمه. من باید بدونم از روش‌های صحیح تست زدن، کدوم روش به درد من می‌خوره. اجازه بدید خودمونی‌تر بگم. من با چه روشی تست بزنم که بازده بیشتری داشته باشم.

موفقیت تصادفی نیست. وقتی یک نفر رتبه‌ی تک‌رقمی می‌آورد همین‌طوری این رتبه را کسب نکرده. درسته خیلی تلاش کرده اما فقط تلاش هم مهم نیست.

داوطلبان عزیزم خیلی از داوطلبان کنکور ساعت مطالعه بالایی دارند، معدل‌هاشون بالای ۱۸ و ۱۹ می‌باشد اما متاسفانه توی کنکور نتیجه قابل قبولی نمی‌گیرند. این نشان می‌دهد که مقوله کنکور کاملا متفاوت از امتحانات مدرسه می‌باشد. داوطلبی می‌تواند رتبه برتر کنکور شود که این ۴ ویژگی را داشته باشد: ۱) توکل به خدا. حقیقتا با توکل کردن به خدایی که قدرتش بی‌نهایت است، ایمان و نیرویی عظیم در ما به وجود می‌آید که قادریم تمام مشکلات و ناامیدی‌ها را پشت سر بگذاریم. ۲) برنامه‌ریزی: منظور از برنامه‌ریزی، برنامه‌روزی نیست! نمی‌شود برنامه‌ی هر روز را همان روز نوشت. شما باید تحت نظر یک مشاور مجرب و موفق قرار گیرید تا یک برنامه‌ریزی اصولی و منطقی و واقع‌بینانه واسه شما انجام دهد تا قابل اجرا باشد. آره عزیزان، قابل اجرا بودن یک برنامه خیلی مهم است. خیلی‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند اما متاسفانه بیشتر از یک هفته نمی‌توانند طبق برنامه خود پیش بروند. ۳) منابع. جهت موفقیت در کنکور داشتن یک منبع خوب واقعا حیاتی است. بعضی از داوطلبان کنکور متاسفانه منابعی را مورد مطالعه قرار می‌دهند که نه تنها واسشون مفید نیست بلکه زمان آن‌ها را هم هدر می‌دهد.

منابع باید استاندارد باشد تا بتواند باعث پیشرفت داوطلب شود. به لطف خداوند بزرگ و همت استاد حسین احمدی در مجموعه ما، لوح‌های فشرده و کتاب و جزواتی تهیه و تدوین شده است که شما را در تمام مباحث درسی قدرتمند می‌کند.

و اما مرحله چهارم؛ ۴) تلاش تلاش تلاش. تمام داوطلبان برتر کنکور به صورت قاطع می‌گویند، تلاش‌شون بر هوش و استعداد آن‌ها اولویت داشته است.

اما جمله‌ی پایانی، داوطلب عزیزم همیشه و حتما بهترین مشاور و برنامه‌ریز را انتخاب کنید که گزینه مد نظر بنده استاد حسین احمدی می‌باشد. سرتون سلامت و دلتون برقرار.

۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

برای مشاوره و برنامه‌ریزی تحصیلی با دکتر محمود اکبری با شماره همراه

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ - ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۹۰